



---

ویژه نامه ی نشریه ی ناد / بهمن ۱۳۹۹

---

## نگاه اجمالی به مجلس یازدهم

---

ویژه نامه ی نشریه ی ناد

## ۱۴ ناد – نشریه انجمن اسلامی دانشجویان بهمن ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (عضو دفتر

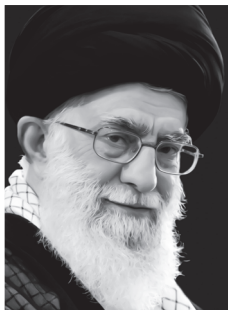
)تحکیم وحدت

مدیرمسئول و سردبیر: سید حمیدرضا مجتبیوی

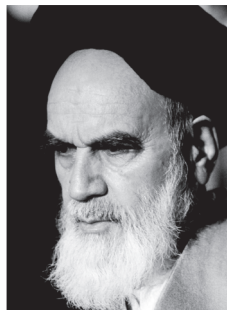
هیئت تحریریه: آقای مجتبی منگلی - خانم میترا هدایتی

آقای امیر مهدی صادقی - خانم زینب مهدوی - خانم ریحانه شرافتی

طراحی جلد و صفحه آرایی: واحد رسانه انجمن اسلامی دانشجویان



رهبر معظم انقلاب  
امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی):  
کشور در حال پیشرفت  
است و هیچ بن بست  
و مشکل برطرف نشدنی  
در حرکت رو به جلو  
ملت ایران وجود ندارد.



امام خمینی (ره):  
مکتب اسلام یک مکتب  
مادی نیست، یک مکتب  
مادی- معنوی است.  
مادیت را در پناه معنویت  
و اسلام قبول دارد، اسلام  
برای تهذیب انسان آمده  
است، برای انسان‌سازی  
آمده است.



## تحول یک قانون

مجتبی منگلی



اعتراض واژه‌ای است که می‌توان آن را در دسته واژگانی به حساب آورد که تحریف محتوایی شده‌اند؛ واژگانی که گاه بر اصل مقدسی تکیه دارند اما به آن اصل نه تنها توجه نمی‌شود بلکه بعضاً برداشتهای متضادی با آن مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد؛ واژگانی که ریشه در مفاهیم ارزشی دارند اما شاخه و برگ‌هایی در اجرای مفاسد.

از نمونه اش می‌توان به آزادی اشاره کرد، واژه مقدسی که در دستان نا اهلش و با کم‌کاری اهلش به انحراف عقیدتی و کاربردی کشیده شده است.

اعتراض با محوریت مبنایی امر به معروف و نهی از منکر از امور واجب در دین مبین اسلام است که با ورود اشتباه و سوء استفاده توسط دشمنان در جمهوری اسلامی ایران نتوانسته کارایی خود را انجام دهد و به انحراف محتوایی کشیده شده است که تعاریف خلاف واقع از آن می‌شود؛ واژه اعتراض که میبایست تجلی ارزش‌های معنوی و مادی حکومت اسلامی باشد نقطه‌ای برای سوء استفاده دشمنان داخلی و خارجی شده است؛ در خصوص امر اعتراض اگر کسی



بخواهد مدعی باشد، رواست که حکومت اسلامی داعیه دار آن باشد چرا که از لحاظ مفهومی و ایدئولوژی به مراتب دست پرتری در قیاس با سایر ایدئولوژی‌ها دارد، اما متأسفانه در حال حاضر ایدئولوژی‌ها و مکاتب دیگر که بیشتر نمایشی از رعایت دیپلماسی و حق اعتراض را دارند تبدیل به نماد حکومتی شده‌اند که مثلاً میشود در درون آن کشورها اعتراض کرد، گرچه چند وقت اخیر خلاف این ادعا در عمل دیده شده است اما آنها از ادعای خود به این سادگی پایین نخواهد آورد.

اما اینکه چرا در حکومتی که از لحاظ محتوایی درخصوص اعتراض غنی است این وضعیت وجود دارد جای بحث دارد؛ دو دلیل عمده به وجود آمدن وضعیت حاضر را می‌توان این چنین مطرح کرد: ۱- عدم ورود گفتمانی به مسئله و عدم گفتمان سازی در مردم ۲- ضعف در اجرای اعتراض مردمی و مشروع مورد اول که بیشتر جنبه تحقیقی و پژوهشی دارد و باید روش تحقیق را در آن به کار بگیریم به آن در این مقاله نمی‌پردازیم اما بحث ما مربوط به مورد دوم است که البته به نحوی معلول مورد اول نیز هست اما می‌خواهیم بگوییم که در صرف پرداختن به این مسئله هم ضعف وجود دارد.

قانون مربوط به اجرای اعتراض در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۲۷ است که آزادی عمل به عموم مردم جامعه برای اعتراض را داده است با رعایت دو شرط که عبارتند از: ۱- همراه با سلاح و خشونت نباشد ۲- مخل به مبانی اسلام نباشد؛ وقتی که این قانون خوانده می‌شود این برداشت می‌شود که روند اجرای اعتراض در حکومت بسیار آسان باشد و محدودیت خاصی که دست و پا گیر باشد اعمال نشده است اما وقتی که می‌خواهیم به این سوال پاسخ دهیم که پس مشکل شکل نگرفتن اعتراض مردمی چیست می‌رسیم به آن سوی قصه که سری دراز دارد.

جهات مختلف بحث اعتراض گسترده است و در دسته موضوع‌های مختلف



باید پرداخت شود ولی چون روی صحبت ما در این مقاله مجلس شورای اسلامی است انگشت مطالبه‌گری و طرح سوال خود را به سمت مجلس خواهیم گرفت؛ از بزرگترین و مشکلات قانون اعتراضات دقیق نبودن و شفاف نبودن قانون است که مانع از ایجاد بسترهای اعتراض مردمی و مشروع میشود؛ ورود مرکز پژوهش‌های مجلس به تصحیح این قانون و رفع ابهام از این قانون می‌تواند کمک شایانی بر شکل‌گیری بسترهای اعتراض مردمی شود.

برای تفهیم بیشتر موضوع مقداری به بررسی این ابهامات و گره‌های کور در قانون احزاب که مربوط به اعتراض و تجمع است می‌پردازیم؛ در اصل ۲۷ قانون اساسی دو شرط برای اعتراضات مطرح شده است که پیش‌تر ایراد شد اما در قانون احزاب شرط سوم را اضافه شده است که خود سبب ایجاد ابهامات فراوانی شده است که در قانون به آن به تفصیل پرداخته نشده و مغفول مانده است؛ شرط سوم در قانون احزاب از این قرار است که تجمعات نیازمند به مجوز از وزارت کشور نیز هستند، در درون این شرط موانعی دیده می‌شود که نهاد قانونگذار باید ابتدا آنها را بررسی و سپس رفع نماید، موانعی از جمله: اولاً فرآیند مجوز دهی چقدر سریع است؟ بعضی از تجمعات باید خیلی سریع شکل بگیرند و نسبت به یک موضوع سریع اعتراض کند یا یک تجمعی خیلی سریع تصمیم‌گیری می‌شود، آیا با شرط مجوز گرفتن می‌شود سرعت را در اعتراضات حفظ کرد یا خیر؟

ثانیاً آیا این صحیح است که وزارت کشور باید مجوز را بدهد و در سطح محدودتر فرماندهی‌ها و شورای تامین استان‌ها مجوز را بدهند؟ اگر اعتراض به خود دولت باشد که اغلب موارد هم چنین است مشکل تعارض منافع برای روند مجوزدهی چگونه برطرف میشود؟ چگونه میشود از جایی درخواست مجوز شود که هدف اعتراض هم همانجا است؟

ثالثاً ساختار مجوزدهی به چه شکل است؟ یعنی وقتی که درخواست مجوز داده میشود چه فرایندی باید طی شود و چه معیارهایی در نظر گرفته می‌شود

که تصمیم حاصل شود مجوز داده شود یا خیر؟  
از طرف دیگر می توان همچنین موانعی را در تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ ناظر به مخل بودن یا نبودن به مبانی اسلام هم متصور شد؛ اگر بتوان قانون را از فضای انتزاعی به فضای عملیاتی تر و اجرایی تر کشاند و جزئیات در این قانون کاملتر بیان شود گام بلندی در جهت تحقق بسترهای اعتراض مردمی برداشته می شود که در این زمینه باید بازنگری جدی به این قانون صورت گیرد.





## اصل ۲۷؛ فرصتی برای جامعه سازی

مصاحبه ی میترا هدایتی با حامد نیکو نهاده، استاد دانشگاه قم و معاون پژوهشی پژوهشکده ی قوه قضاییه



### ۱. لطفا در خصوص اصل ۲۷ قانون اساسی و بسترهای تعیین شده برای بحث اعتراضات در قانون اساسی توضیح دهید.

قانون اساسی ما در اصل ۲۷ به روشنی این را بیان کرده است که اجتماعات و راهپیمایی ها آزاد است، مشروط به دو شرط، یک آن که مسالمت آمیز و بدون خشونت و حمل سلاح باشد و شرط دوم این که مخل به مبانی اسلام، که زیربنای جامعه ی اسلامی است، نباشد. به طور کل اصل ۲۷ بستری است برای استیفای حق تعیین سرنوشت و همچنین زمینه برای ایفای تکلیف امر به معروف و نهی از منکر؛ در واقع این اصل، بستر و زمینه ای برای مشارکت معنادار و تاثیر گذار عموم مردم برای ساخت جامعه است. نکته ی مهمی که در خصوص اصل ۲۷ مطرح است این است که با چه رویکردی به آن نگاه شود؛ رویکرد «فرصت محور» یا «تهدید محور». به نظر بنده اصل ۲۷ و اصولی مانند آن فرصت های قانون اساسی هستند یعنی آن ظرفیت هایی که کمتر توجه شده و یا





به اصطلاح اصول مغفول مانده‌ی قانون اساسی هستند. اینها ظرفیت‌هایی هستند برای اینکه توده‌های مردم به صورت سازمان یافته یا حتی غیرمتشکل، خواست‌هایشان را در قالب اعتراض یا در قالب مطالبه‌گری و غیر اینها به گوش حاکمیت برسانند. وقتی ما مذاکرات قانون اساسی در سال ۵۸ را نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که رویکرد نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی یا به اصطلاح مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، یک رویکرد کاملاً باز و آزادمنشانه بوده است و مثال‌هایی در این باب دارد. این اصل در واقع نماد بی تفاوت نبودن اعضای جامعه نسبت به امور جامعه است.

## ۲. چرا با وجود پرداختن به بحث اعتراضات در اصول قانون اساسی، باز هم در فضای تحقق آن با مشکل مواجهیم؟

اصول قانون اساسی عمدتاً برای این که زمینه‌ی اجرا پیدا کنند نیازمند ضوابط روشن توسط قانونگذار هستند. این دست موارد باید توسط قانونگذار یعنی مجلس شورای اسلامی مشخص و مدون شود. در خصوص بحث اعتراضات ما قوانینی داریم، نمونه‌اش قانونی معروف به قانون احزاب است که در سال ۶۰ تدوین شد، که البته در سال ۹۵ آن قانون برچیده شد و قانون جدید جای آن آمد که آنجا یک ظرفیت‌هایی پیش‌بینی شده است. اما متأسفانه همه ابعاد حقوقی ناظر به این مسئله را پیش‌بینی نکرده و همین باعث تفسیر پذیری و ابهام این قانون و تشتت در رویه‌ها شده است. در واقع در نظام حقوقی، رویه‌ی منسجمی در این زمینه شکل نگرفته است. در حال حاضر آن چیزی که همچنان در عمل معتبر است آیین‌نامه‌ای است که در سال ۸۱ توسط هیئت وزیران تصویب شده به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی به عنوان آیین‌نامه «چگونگی تامین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی» که به همان قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها مصوب ۱۳۶۰ استناد می‌کند. اما این در سطح آیین‌نامه است که قوت



و قدرت اجرایی کمتری نسبت به قانون دارد. ضمن اینکه خود این آیین نامه هم ایراداتی دارد که در حال حاضر محل بحث ما نیست.

### ۳. با توجه به عدم دستیابی به اعتراضات سالم در طول این چند دهه، چه اصلاحاتی باید در قوانین مربوط به بحث اعتراضات صورت بگیرد؟

نکته این است که ماحصل و خروجی این اسناد قانونی یک نگاه مجوز محور است، یعنی لزوم اخذ اجازه قبلی برای برگزاری تجمعات از آن مرجع صلاحیت داری که در قانون پیش بینی شده است. طبق قانون احزاب باید یک نهاد حکومتی تحت عنوان کمیسیون ماده ۱۰ برای برگزاری تجمعات تصمیم گیری کند. البته اتخاذ تصمیم در مورد اجتماعات محدودتر به استناداری ها و فرمانداری ها سپرده شده است. اما در مجموع نهایتاً یک نهاد دولتی یعنی حکومتی باید در این خصوص تعیین تکلیف کند و این، اصل ایراد است. ضمن آنکه در قانون سال ۹۵ اساساً اجتماعات و راهپیمایی ها را صرفاً در خصوص احزاب بحث کرده است، اما در مورد سایر اقشار و گروه ها یا مردم عادی حکمی ندارد. این در حالی است که اصل ۲۷ اختصاصی به احزاب و جمعیت ها و انجمن ها ندارد، یعنی لازم نیست حتماً یک تشکل یا حزب متقاضی برگزاری تجمع باشد و سایر اقشار مردم باید بتوانند این کار را انجام دهند. در حقیقت وقتی برای یک اصل زمینه های قانونی وجود نداشته باشد این مسائل به وجود می آید. اما این که نظام مجوزدهی نباشد منظور این نیست که حکومت هیچ مسئولیتی ندارد و هیچ نظارتی نباید داشته باشد یا هرج و مرج شود. مراد این است که من شهروند یا بخشی از هر کدام از اقشار مثلاً معلمان، بازاریان، صنعتگران و کارگران و غیر اینها بتوانند دغدغه و مطالبه خود را به گوش مسئولان برسانند و این نباید متوقف و موکول بر صدور مجوز باشد؛ بلکه آن گروه و جمعیت باید از قبل به آن نهاد قانونی، زمان و مکان تجمع و موضوع سخنرانی و مانند اینها را اعلام کنند. یعنی

«اعلام قبلی»؛ نه مجوز قبلی که از قبل برای آن تدارک دیده شود و چنانچه در مواردی برگزاری آن اجتماع امکان پذیر نباشد و آن مرجع حکومتی نتواند زمینه برگزاری تجمع را فراهم کند یا موافق نباشد، در آنجا تصمیم آن نهاد حکومتی به صورت مستند و مستدل به متقاضی ابلاغ شود و بعد، آن تصمیم قابلیت اعتراض در مرجع قضایی صالح هم داشته باشد.



#### ۴. در خصوص روند مجوز دهی فعلی و نهاد مجوز دهی چه اشکالاتی وجود دارد؟

به نظر بنده الان چندان احزاب مردمی و مردم خاسته نداریم و اساساً ما مجالی نداریم که حزبی بخواهد پایگاه مردمی داشته باشد. احزاب کاغذی زیادی داریم. اما آنهایی که واقعاً پایگاه مردمی داشته باشند چند تا می توانید نام ببرید؟ در خصوص کمیسیون ماده ۱۰ باید گفت در حال حاضر ترکیب این کمیسیون به این صورت است: نماینده دادستان کل، نماینده رئیس قوه قضاییه، معاون سیاسی وزیر کشور، دو نماینده مجلس، یک نماینده از میان دبیران کل احزاب





ملی و یک نماینده از دبیران کل احزاب استانی که تازه این دو عضو اخیر بدون حق رأی هستند. می بینید که این ترکیب کاملاً حکومتی است و مردمی نیست. در حالی که باید ترکیب از خود احزاب باشد و مشارکت موثرتر خود احزاب را داشته باشیم. مشابه این مسئله را ما در هیئت نظارت بر مطبوعات داشتیم. در واقع باید از طیف های مختلف مردم از انواع سازمانها، انجمنها، سمن ها و سایر نهادهای مدنی بومی مانند هیئات در آن ترکیب حضور داشته باشند. اساساً نظام مجوزدهی برای برگزاری اجتماعات، نقض غرض است. فرض کنید شما می خواهید به قوه ی قضاییه اعتراض کنید یا بر فرض به مجلس اعتراض کنید، خب نمایندگان اینها در آن نهاد تصمیم گیر حضور دارند. چقدر احتمال دارد اجازه ی اعتراض دهند؟

نکته دیگر اینکه قانون انواع اقسام راهپیمایی ها و تجمعات گوناگون را تفکیک نکرده است. البته در آن آیین نامه، تفکیک کلی میان تجمعات داخل مکان مسقف و غیرمسقف شده است. اما این تفکیک را باید دقیق و ریز مشخص کند. الان بر فرض مثلاً بعد از یک نماز جماعتی مردم تصمیم می گیرند از داخل مسجد بعد از نماز حرکت کنند و مقابل شهرداری یا آموزش و پرورش یا جلوی نیروی انتظامی تجمع کنند و اعتراضشان را برسانند و این الان موضوعیت دارد. اما این که بخواهند مجوز بگیرند نقض غرض است. در واقع این نظام مجوزدهی نوعی نگاه تهدیدگونه نسبت به مردم دارد. البته خیلی ها نگران این هستند که اجتماعات به خشونت کشیده شود و یا ابعاد امنیتی پیدا کند. این موارد و احتمالات در خصوص مسائل دیگر هم مطرح است. اما نمی شود به این علت سد راه این تجمعاتی شد که هزاران خیر و برکت دارد. البته مشخصاً یکی از مسائل اجتماعات که باید در قانون به صورت جزئی و دقیق پرداخته شود، بحث تامین امنیت تجمعات است که کلیات آن در قانون نیروی انتظامی و یا قانون نحوه ی به کارگیری سلاح تا حدی پرداخته شده اما مسائل ریزتری دارد که باید



تعیین تکلیف شده و مسئولیت برگزار کننده و نیروی انتظامی و سایر نهادها باید کامل شفاف شود. اما برآیند این روابط نباید به گونه ای باشد که فرایند عریض و طویلی برای برگزاری یک تجمع تعریف شود و شکل گیری آن منوط بر گرفتن مجوز باشد.

## ۵. مجلس تا کنون چه اقداماتی را برای تحقق این اصل انجام داده است؟

مجلس صلاحیت قانون گذاری عام دارد و میتواند در چارچوب موازین شرعی و قانون اساسی ریل گذاری کند. یکی از اصول بر زمین مانده قانون اساسی همین اصل ۲۷ است که زمینه های تحقق آن فراهم نشده است. در این راستا مجلس می تواند منتظر باشد که دولت لایحه ای در این خصوص ارائه دهد یا این که خودش طرح بدهد و عملیاتی کند. در حال حاضر مجلس طرحی را تحت عنوان «نحوه تشکیل اجتماعات و برگزاری راهپیمایی ها» پیگیری می کند. در این طرح سعی شده است که رویکرد از «مجوز قبلی» به «اعلام قبلی» تغییر کند و موادی در این راستا پیش بینی شده است که شخص برگزارکننده یا نماینده احزاب و گروه هایی که می خواهند تجمعی برگزار کنند باید در یک بازه ی زمانی مشخص اطلاعیه ای را خطاب به فرمانداری محل برگزاری بفرستند. در مجموع این طرح اگر با همین رویکرد پیش رود و اصلاحاتی را داشته باشد می تواند به اجرایی شدن اصل ۲۷ کمک کند، اما باید توجه کرد که قانون همه چیز نخواهد بود؛ یعنی اگر قانون خوبی هم تصویب شود، عزم اجرا می خواهد و مجری هم باید قانون را بفهمد و یک تلقی از آن دریافت کند. در واقع، نکته مهم گفتمان شدن است تا تصویب قانون، در غیر این صورت قانون مصوب هم تبدیل به یک قانون متروک می شود و روی کاغذ باقی می ماند. بنابراین شکل گیری گفتمان درست و نگاه بازتر نسبت به اصل اعتراض اهمیت اساسی را دارد.

ممکن است اعتراضی شکل بگیرد و اصلا در آن چند بار نقض قانون هم

اتفاق بیفتد. در همه چیز این امکان وجود دارد. چه در مطبوعات، چه در فضای مجازی ولی نگاه انسدادی نباید داشت. البته ما نمی خواهیم سیاه نمایی کنیم، در حال حاضر هم اجتماعات زیادی برگزار می شوند. اما این برای جامعه ملموس نیست. البته این به آن معنی نیست که هرج و مرج باشد بلکه قطعاً نظارت ولی نه به صورت پیشینی بلکه به صورت پسینی لازم است.

## ۶. چه اشکالاتی در نگاه حاکمیت نسبت به مقوله‌ی اعتراض و شکل گیری تجمعات اعتراضی وجود دارد؟

ببینید این که چگونه به اصل ۲۷ نگاه شود بسیار مهم است، اگر نگاه ما به این اصل درست باشد، آن را به مثابه فرصت و مجالی برای خودسازی و جامعه‌سازی می‌بینیم. باید توجه کرد که قانون اساسی ما بر اساس یک مبانی دینی عمیق نوشته شده و اینطور نبوده که مثلاً به تقلید از کشورهای دیگر، ما هم یک سلسله آزادی‌های اجتماعی را در قانون اساسی قرار دهیم. اینها در اصل مجال تحقق تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر و جامعه سازی است. بر اساس مبانی قانون اساسی، نگاه حکومت به این مقوله باید از موضع پدر باشد نه پدرسالارانه؛ یعنی نگاه محبت‌آمیز و معطوف به تربیت و اساساً قانون اساسی این ظرفیت‌ها را برای رشد جامعه قرار داده است. ما در در روایت داریم که امام جامعه یعنی حاکمیت، کالوالد الرّحیم، یعنی مثل پدر مهربان است. این رویکرد، باید در تک‌تک کنش‌های حکومتی از جمله اینجا و در انواع کمیسیون‌ها، وزارت کشور، و سایر مجموعه‌ها حاکم باشد.



## ۷. در شرایط حاضر مسأله ای که همواره در کنار بحث تجمعات اعتراضی مطرح می شود، برقراری امنیت تجمعات و جلوگیری از سوءاستفاده ی معاندان از فضای اعتراضات است؛ با توجه به این بحث چه راهی وجود دارد تا در کنار تحقق این اصل قانون اساسی ابعاد امنیتی آن نیز رعایت شود؟

بینید در واقع ما تا یک چیزی را امتحان نکنیم نمی توانیم ابعاد آن را خوب بشناسیم و در مورد آن تصمیم گیری کنیم، در حال حاضر مسأله این است که چرا خیلی از اعتراضات معمولی به خشونت کشیده می شود و یک عده ای هم از آن سوءاستفاده می کنند؟ اینجا باید زمینه های آن را دید، برای مثال وقتی به یک ملتی بی احترامی می شود، شبیخون بنزینی زده می شود و آشفتگی روحی روانی در جامعه ایجاد می شود و بعد نهاد امنیتی هم کارش را درست انجام نمی دهد، اینها همه زمینه می شود برای اینکه دشمن بی رحم از این فرصت نهایت سوءاستفاده را بکند و تجمع را به سمت اهداف خودش بکشانند. کشور ما در یک جایگاه استراتژیک و ژئوپلیتیک خاصی قرار دارد و دشمنان قسم خورده دارد؛ این فضای پیرامونی باعث می شود که ما در یک وضعیت خاص باشیم. اما تجربه نشان داده است که اعتماد به مردم و اجازه ی بروز اینها در مجموع و در بلندمدت به نفع جامعه خواهد بود. ما می خواهیم جامعه سازی کنیم و در این راه باید تمرین کنیم؛ این طبیعی است که یک مقدار هزینه داشته باشد ولی باید به شیوه ای عقلانی رفتار کرد تا هزینه ها حداقلی شوند. اما این هزینه ها به طور کلی اجتناب ناپذیر است. خیلی از تصمیمات هزینه دارند و ما باید هزینه فایده کنیم و بعد با فراهم کردن زمینه های فرهنگی و اجتماعی و قانونگذاری ناظر بر تجربیات چند دهه ی گذشته و کشور های دیگر زمینه ی تحقق مطلوب اجتماعات را فراهم کنیم.



## «میدان عمل خالیست»

ریحانه شرافتی



فرهنگ عنصری برای پیوند و اتصال اعضای جامعه است و حرکت جامعه به سمت آرمان‌ها و پیشرفت، نیازمند اتصالات مستحکم و هم‌جهت در هویت فرهنگی است. از جمله موثرترین ابزارها برای رسیدن به چنین هویتی در جهان امروز، ابزار رسانه است. در کشور ما، صدا و سیما از عظیم‌ترین و موثرترین رسانه‌های ارتباطی است که برخلاف بسیاری از کشورها، سازمانی دولتی محسوب می‌شود و همچون دیگر سازمان‌ها مجلس شورای اسلامی موظف به نظارت بر این سازمان است. به منظور نظارت بر حسن انجام کلیه امور این سازمان و اجرایی شدن اصل ۱۷۵ قانون اساسی، شورایی متشکل از نمایندگان سه قوه از جمله مجلس شورای اسلامی ایجاد شد.

مجلس شورای اسلامی وظایف معینی برای این سازمان بر شمرده که عبارت‌اند از: زمینه‌سازی برای دستیابی به خودکفایی و سیاست مستقل در همه ابعاد، عدم جانبداری در حوزه‌های رقابت سیاسی، تقویت و گسترش وحدت و انسجام جامعه از طریق ارج نهادن به فرهنگ و زبان اقوام مختلف کشور، گسترش آگاهی





و رشد جامعه در زمینه های گوناگون از جمله اعتقادی سیاسی، اجتماعی و...، تامین آزادی بیان و نشر افکار. موارد ذکر شده مناسب و ناظر بر اهمیت فرهنگ سازی و جایگاه رسانه ملی بوده اما گام بعدی در جهت تکمیل این حرکت تبیین شیوه هایی برای تحقق این وظایف و همچنین نظارت و پرداختن مداوم به مسئله صدا و سیما می باشد.

حال نگاهی داشته باشیم بر طرح ها و مطالبه های مطرح شده در صحن مجلس یازدهم:

نطق در خصوص توهین به یک قوم خاص، تذکر برای لزوم آمادگی صدا و سیما برای انتخابات آینده و به روز کردن دستورالعمل های خود، انتقاد به یک مستند به بهانه زیر سوال بردن زحمات یک نماینده، اشاره به نقش و جایگاه رسانه ملی در خنثی شدن فتنه ۸۸ با روشنگری های به موقع، لزوم اطلاع رسانی و آگاهی بخشی از جانب صدا و سیما، اهمیت آن در حوزه های سیاسی و اجتماعی، تخصیص بودجه برای شبکه های برون مرزی صدا و سیما، لزوم پرداختن صدا و سیما به حقوق ملت ایران و مسلمانان جهان، وظایف صدا و سیما در زمینه های مختلف آموزش، اطلاع رسانی، آگاهی سازی مسائل اجتماعی، اهمیت و جایگاه صدا و سیما در فرهنگ سازی مسائل مختلف، توسعه و تجهیز زیرساخت های بخش تولید محتوا و همچنین زیرساخت های فنی، پرداختن به قانون مدیریت صدا و سیما (سیاست گذاری ها مدیریت صدا و سیما)، تذکر برای تولید محتوای اعتقادی و مذهبی، پخش زنده جلسات مجلس از صدا و سیما، معضلات داخلی صدا و سیما.

اغلب موارد و موضوعاتی که ذکر شدند، مسائل به جایی بودند ولی واکنش ها در حد حداقل واکنش یک فعال سیاسی بوده در حالی که این مسئله باید



برای نماینده مجلس فرق کند. نماینده مردم باید علاوه بر رصد فضای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... کشور و داشتن موضع مشخص و مناسب، پا در میدان عمل بگذارد. برای مثال باید در رابطه با اتفاقی که در آنتن صدا و سیما رخ داد، توهین به یک قوم خاص، در کنار تذکرها و اعتراضات به این سازمان به دنبال حل ریشه‌ای مشکل می‌بودند (نظارت بر محتوا پیش از تولید). لیکن اینگونه واکنش‌های هیجانی و راهکارهای مقطعی به حل مشکلات مردم کمک نمی‌کند و وکیل‌الرعیایاها می‌بایست به طور جدی تری به دنبال حقوق مردم باشند. البته در این بین بودند طرح‌هایی که به دنبال ایجاد تحولات مثبت در ساختار صدا و سیما و همچنین نظارت بر آن بودند که البته هنوز به سرانجام نرسیده‌اند. (مانند طرحی که برای اداره سازمان صدا و سیما داده شد) اهمیت فرهنگ ایجاب می‌کند که مجلسی‌ها بیشتر به این مسائل و راهکارهای ریشه‌ای بپردازند. مشکلات و معضلات فرهنگ‌سازی به خودی خود اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا فرهنگ یک جامعه هویت آن جامعه است و ساده عبور کردن از مسائل مرتبط با فرهنگ حیات جامعه را به مخاطره خواهد انداخت. اما باید دید کلان‌تر هم داشت، مشکلات فرهنگی مستقل نیستند بلکه وابسته به مشکلات عرصه‌های مختلف است و از طرفی چندین مسئله و موضوعات متعدد دیگر وابسته به فرهنگ هستند و در واقع مسائل جامعه مهره‌های جدا از هم نیستند بلکه زنجیروار به هم متصل و مرتبط هستند.

چند مثال از مسائلی که امروز سازمان صدا و سیما با آن‌ها رو به رو است و نیاز به نظارت بیشتر و در برخی موارد اصلاح قانون توسط بهارستان نشین‌ها است: شفافیت مالی، نظارت بر قوانین موجود، ارائه طرح‌هایی برای بهبود عملکرد صدا و سیما، تعداد حقوق‌بگیران بالا سازمان که به دلیل عدم تناسب بودجه با این تعداد بالا جبار به اسپانسر رو می‌آورند و این باعث باز شدن پا برخی اصحاب قدرت و در نتیجه اعمال قدرت و نفوذ بر سیاست‌های کلی صدا و سیما می‌

شود. و مشکلات اساسی و کلان دیگر.

همانطور که در ابتدای مطلب گفته شد صدا و سیما جایگاه مهم و پتانسیل‌های بالایی در جامعه ما دارد که امروز جمهوری اسلامی از آنها بی بهره است. چرا که بر اساس شواهد اعتماد ملی نسبت به این سازمان رو به کاهش است. مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان مردم باید همه روزه به مسئله فرهنگسازی دستگاه‌های متوالی فرهنگ در جامعه (به طور خاص صدا و سیما) بپردازد تا تمام پتانسیل موجود در راه پیشرفت جامعه و کشور خرج شود.





## || فضای تقابل ||

امیرمهدی صادقی



باروی کار آمدن مجلس جدید فضای تقابلی بین دولت و مجلس شکل گرفت. نیش کنایه هایی که دو نهاد از دو جناح مختلف به هم می زدند، کاملاً مشهود بود. گاهی این حملات شکل رادیکالی به خود می گرفت و گاهی در قالب صحبتی پوشیده و منظور دار مطرح می شد. به طور مثال یکی از نمایندگان بالحن تندى در پشت تریبون خطاب به آقای روحانی گفت «آقای روحانی مردم شما را لعنت می کنند...» فارغ از درست و غلط بودن این صحبت، فضای مجلس، فضای کار کارشناسی شده است و مردم برای این صحبت ها پای صندوق های رای نیامده اند. مقام معظم رهبری هم به این صحبت های این نماینده واکنش تندی نشان دادند و هرگونه توهین و بی احترامی را منع کردند. حال دولتی که هیچ دستاورد و جوابی برای عملکردش ندارد، دستاویزی برای مظلوم نمایی پیدا کرده بود و افراد مختلفی که مدت ها بود صدایی ازشان در نمی آمد، لب به وامصیبتا گشودند...

این رفتار پینگ پونگی ادامه داشت؛

یکی دیگر از این درگیری‌ها بعد از تصویب طرح مهم مجلس شکل گرفت؛ طرح اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها. اینبار حسن روحانی و نزدیکانش با حملات پیاپی مستقیم و غیر مستقیم قصد داشتند حداقل مخالفت افکار عمومی را با این مصوبه‌ی مجلس برانگیزند. قوه‌ی مجریه حتی، از اجرای مصوبه سر باز زد تا خود آقای قالیباف طبق قانون، مسئولیت اجرایی شدن این طرح را به عهده بگیرد. این درگیری‌ها در موضوعات ریز و درشت در جریان است و احتمالاً تا انتهای کار دولت هم ادامه داشته باشد. اما سوالی که مطرح می‌شود این است: آیا تسویه حساب سیاسی در حال رخ دادن است یا دلسوزی برای مردم؟





## بودجه ۱۴۰۰ در مسیر دوراهی

مصاحبه زینب مهدوی با آقای نیک بین، نماینده مردم محترم کاشمر



کمیسیون تلفیق و اصلاح بودجه ی ۱۴۰۰ در مصاحبه با حجت الاسلام جواد نیک بین، نماینده یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون فرهنگی و کمیسیون تلفیق

همان طور که واقف هستید؛ لایحه بودجه ۱۴۰۰ یکی از پرچالش ترین لوایح بودجه است که دولت تقدیم مجلس کرده است و این میان تعدادی از نماینده های مجلس و همینطور کارشناسان مخالف کلیات بودجه و قائل به رد آن هستند و تعدادی هم رأیی مخالف نظر اول دارند.

### ۱- نظر شما در این رابطه چیست؟ آیا مخالف تصویب کلیات لایحه از طرف مجلس هستید؟ یا خیر؟

نسبت به این موضوع که لایحه ۱۴۰۰ یکی از پرچالش ترین لوایح بودجه است، شکی نیست به جهت اینکه مخالفین این لایحه حتی در بدنه دولت هم زیادند. یعنی غیر از اینکه به جرئت ۹۰ درصد نماینده های مجلس نسبت به لایحه انتقادات جدی دارند، خود دولتی ها هم قائل هستند به اینکه این لایحه



دقیق و کارشناسی شده نیست. نکته دوم این است که بنده جزو مخالفین لایحه بودم و رای به رد کلیات دادم؛ به جهت اینکه ما نمیتوانیم تغییرات کلی انجام بدهیم، زیرا شورای نگهبان آنرا رد میکند، چون پلتفرم کلی بودجه در کمیسیون تلفیق تغییر خواهد کرد. مگر اینکه دولت، مجلس و شورای نگهبان، جلسه ای بگذارند و به توافقی مبنی بر تغییرات کلی و جزئیات تبصره ها و جداول برسند.

## ۲- تغییر در جزئیات چگونه می تواند جلوی خسارتی که تصویب کلیات وارد می کند را بگیرد؟

ما قائل هستیم، تا جایی که توان داریم این ضرر را به حداقل برسانیم و کاری کنیم که دولت بعدی کمتر بدهکار شود. قطعا این لایحه بودجه با این تغییرات تا حدی میتواند جلوی ضرر را بگیرد با این حال بودجه ای که پلتفرم کلی آن با اتکا به نفت و اتکا به درآمد های غیر واقعی و با «اگرها» بسته شده قطعا محقق نمی شود. به عنوان مثال وزیر نفت در کمیسیون تلفیق حضور پیدا کرد؛ ایشان گفتند: «اگر ما ۵/۵ میلیون بشکه تولید کنیم»، که این به چند ده هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری فعلی نیاز دارد و بودجه نداریم. دوم: «اگر تحریم ها برداشته شود»، که برداشته نمیشود. سوم: «اگر سهم ما در ایک بالابرد» و باید بگویم، اصلا میزان فعلی نیاز نفت ایک ۴/۱ است. اگر همه این سهم را به ایران بدهند باز هم ما نمی توانیم ۵/۲ میلیون بشکه در روز بفروشیم. پس این با سه تا و چهار تا «اگر» قرار است محقق بشود که محقق نمی شود.

نکته دوم بحث مالیات هایی است که دولت بسته بود. با توجه به شرایط کرونا، قطعا آن مالیات هایی که دولت بر مشاغل بسته بود هم محقق نمی شود. پس در این دو زمینه لایحه باید تغییرات کلی داشته باشد. ما تا جایی که بتوانیم در کمیسیون تلفیق درآمد ها را واقعی میکنیم. یعنی چه؟ یعنی مالیات را بر چیزهایی باید ببندیم که قطعی الوصول است. مثل مالیات بر ماشین های لوکس، خانه های خالی و گمرکات. اما برخی از مالیات ها قطعا محقق نمی شود.



### ۳- رئیس مجلس گفتند ریل گذاری بودجه را تغییر میدهیم، با توجه به اینکه ۴۱ درصد منابع بودجه سال آینده وابسته به نفت است چگونه این مهم صورت می‌گیرد؟

به نظر بنده مجلس درصدی میتواند ریل گذاری را تغییر دهد؛ مگر اینکه از الان قانون بودجه ریزی را تغییر دهد. یعنی اصول بودجه ریزی را به طور کل تغییر دهد تا مبتنی بر نفت نباشد؛ مبتنی بر کشاورزی، توریسم و.. باشد و خب اینها واقعی هستند؛ نه اینکه بودجه به اوراق و نفت وابسته باشد. کما اینکه هر دو اینها برای کشور مضر است. ما اگر نفت بفروشیم، در واقع داریم سرمایه اصلی مان را خرج امورات جاری میکنیم در حالی که باید خرج زیرساخت ها بشود. فروش اوراق نیز یعنی چک دادن، چکی که پشتوانه ندارد. به این معنا که دولت های بعدی مقروض می شوند، آن هم نه برای ساخت بسترها و مباحث عمرانی، بلکه برای تامین حقوق جاری، این قطعاً خلاف عقل و منطق است.

### ۴- برای جلوگیری از بدهکار شدن دولت آینده، با توجه به کسری منابع واقعی لایحه، در کمیسیون تلفیق چه راه حلی اتخاذ کرده‌اید؟ به طور کل چقدر این موضوع در حوزه اختیارات مجلس است؟

ما تمام سعی مان را کردیم که جلوی اوراق را بگیریم. دولت در لایحه ۲۷۰ هزار اوراق قرار داده بود که این یعنی فاجعه! ما سعی کردیم اوراق را به حداقل برسانیم تا دولت بعدی خیلی بدهکار نشود.

### ۵- رئیس کمیسیون برنامه و بودجه بیان کردند: در کمیسیون تلفیق اجازه نخواهیم داد دولت افزایش قیمت‌های ناگهانی داشته باشد» برای اعمال این نظر چه تغییراتی را در دستور کار قرار داده‌اید؟

ببینید وقتی شما بخواهید حقوق ها را ناگهانی به میزان زیاد بالا ببرید، باعث تورم زیاد و خود به خود باعث افزایش قیمت ها میشوید؛ در کمیسیون برنامه و





بودجه دوستان بحث افزایش پلکانی حقوق ها را مطرح کردند که سعی مان بر رای آوردن آن است. اما دولت متاسفانه از ۲۵/۱۰/۹۸ تا این تاریخ که در خدمتتان هستم، حدودا بین ۳۵ تا ۶۰ درصد خلاف قانون، حقوق ها را افزایش داده است و الان اگر بخواهد نزدیک ۲۵ درصد افزایش دهد، یعنی حدود ۹۵ درصد افزایش حقوق داریم؛ خب این خلاف قانون و اقتصاد است که مجلس اجازه نداد.

**۶- از آنجایی که حذف ناگهانی ارز ۴۲۰۰ قطعاً باعث تورم می شود چه تمهیداتی برای وارد نشدن فشار به اقشار ضعیف جامعه، خصوصا کسانی که کارمند و حقوق بگیر نیستند، در نظر دارید؟ در صورتی که برنامه قرار دادن یک بسته یارانه ای را در نظر گرفته اید، با توجه به کمبود بودجه چگونه آن را وصول می کنید؟**

حذف دلار ۴۲۰۰ در برخی از کالاها مثل دارو و نهاده های دامی باعث افزایش قیمت میشود؛ این صحبت درستی است. ولیکن ما با حذف دلار ۴۲۰۰ میخواهیم جلوی دلالی را بگیریم. ببینید، دیوان محاسبات گزارشی ارائه کرده است مبنی بر اینکه، مجموع ارز ۴۲۰۰ که در سال ۹۹ پخش شده است و قرار بر عرضه نهاده های دامی با قیمت پایین به دست مردم بود، ۷۵ درصد بالاتر از قیمت به فروش می رسد. یعنی چه؟ یعنی اینکه ما با ارز ۴۲۰۰ سویا را وارد میکنیم اما در واقع با ارز ۲۰ هزار تومانی به مردم میفروشیم. بنابراین نشان میدهد این میان دلال های زیادی وجود دارد؛ چون متاسفانه دولت ما نمی تواند این را کنترل کند؛ مردم هم دارند از بازار آزاد نهاده دامی را میگیرند، پس ما آن بخش نهاده دامی را در بخشی قرار دهیم که مستقیماً خود مردم بتوانند استفاده کنند؛ نه اینکه در جیب دلال ها برود. نسبت به دارو هم آنچه که فعلاً بحث است ناظر بر اعطای ارز به بیمه می باشد. فلذا مردم سهم بیمه شان بیشتر میشود. در حال حاضر، دیوان محاسبات گزارش کرده است؛ ۶۰ تا ۷۰ درصد داروهایی که ارز به آنها تعلق میگیرد، قاچاق میشود. اگر واردات دارو به قیمت ارز واقعی باشد، آن موقع دیگر



قاچاق معنا ندارد. البته درست است که در آن صورت نیز قاچاق وجود دارد اما دیگر ۷۰ درصد نخواهد بود.

## **۷- در حالی که یکی از اعضای کمیسیون چندی پیش از فضای صمیمی بین نماینده های مجلس و دولت در این کمیسیون گفت؛ آقای واعظی این را رد کردند و اظهار داشتند اعضای کمیسیون کار خودشان را می کنند. روایت واقعی کدام است؟ به نظر شما ایشان از این صحبت ها چه هدفی دارد؟**

بله مجلس با دولت رفیق است؛ ما با دولت سر جنگ نداریم، اما این رفاقت باعث نمی شود هر چه دولت بگوید ما چشم بگوییم. میتوانم بگویم دولت تقریباً با ۹۰ درصد پیشنهادات ما در کمیسیون تلفیق، مخالفت میکند و جالب است در هر جایی که دولت مخالفت میکند، مجلس مصوب میکند.

## **۸- نظرات و تماس های افراد ذی نفع در بودجه بندی چه میزان تاثیر در تصمیم گیری نماینده ها و تخصیص میزان بودجه دارد؟**

هیچ زد و بندی بین نماینده های کمیسیون تلفیق و دوستان دولتی وجود ندارد.

## **۹- به طور خاص در رابطه با کمیسیون فرهنگی چه اقداماتی برای جلوگیری از هدر رفت هزینه های کلان غیر لازم و بعضاً گزارش پر کن در این حوزه در نظر گرفته اید؟**

ببینید در رابطه با مسائل فرهنگی کشور، ما یک موضوعی داریم با عنوان نهادهای فرهنگی موازی و خب باید در کشور به این سمت حرکت کنیم که این نهاد ها را در طول هم قرار دهیم. مشکل ما در نهادهای فرهنگی این است که این نهاد ها زیاد و بودجه گیر هستند و گزارش درست نیز نمیدهند. فرض بفرمایید در موضوع عفاف و حجاب، کتاب، ورزش و... دارند بودجه دولتی میگیرند اما کدام نهاد دولتی متولی این موضوعات است؟ ما باید خیلی از این سازمان ها را یا منحل کنیم و یا زیر مجموعه سازمان دیگر قرار دهیم. متأسفانه امسال هنوز به

این تغییر ساختار نرسیده ایم و انشاءالله سعی میکنیم برای بودجه سال بعد محقق کنیم، ولیکن امسال سعی کردیم بودجه فرهنگی کشور را به اندازه توانمان برای نهاد هایی که موثرتر هستند بالا ببریم.

**مصاحبه فوق در تاریخ ۲۸ / دی با جناب آقای نیک بین، عضو کمیسیون تلفیق مجلس صورت گرفته است؛ طی رونداعمال اصلاحیات، توسط مجلس بر لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، دولت و به طور ویژه رئیس آن، تمام قد از لایحه دفاع و آنرا حاصل اجماع نظرات کارشناسی شده خواندند و به نوعی اصلاحیات کمیسیون تلفیق را رد کردند. اظهارات دولت حکایت از تصمیم بر کارشکنی و پایبند نبودن میداد. سه شنبه ۱۴ / بهمن، لایحه از کمیسیون به صحن علنی مجلس رفت؛ این بار نیز رئیس دولت در جلسه حاضر نشد؛ با این تفاسیر، مجلس کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۰ را که یکبار در کمیسیون برنامه و بودجه تصویب شده بود را، رد کرد.**

**به همین منظور، در ادامه می خوانید:**

**مصاحبه با سرکار خانم الهام آزاد، نماینده مردم محترم نایین، در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی:**



## بودجه ۱۴۰۰ در مسیر دوراهی

مصاحبه زینب مهدوی با الهام آزاد نماینده مردم محترم نائین



### ۱- شما مخالف رد کلیات بودجه ۱۴۰۰ بودید؟ یا رای به رد آن در صحن علنی مجلس در روز گذشته دادید؟

رای مجلس به بودجه همان طور که اطلاع دارید مخالفت با کلیات بودجه بود و بنده نیز مخالف کلیات لایحه بودم و معتقدم نباید به این مرحله می‌رسید.

### ۲- به نظر شما اصلاحات ایجاد شده از طرف کمیسیون تلفیق چقدر موثر و مانع ضرر بزرگ لایحه بودجه ۱۴۰۰ بود؟

همکاران ما در مجلس چند هفته در چندین نوبت و از صبح تا ساعات پایانی شب به بررسی و اصلاح بودجه پرداختند و حاصل تلاش‌های این عزیزان و مصوبات کمیسیون تلفیق جلوگیری از رانت‌های بزرگی بود و مصوبات خوبی را در کمیسیون شاهد بودیم اما صحن اصلاحات و لایحه را مناسب ندانستیم که پیش از آن ما تاکید بر تعامل و تامل بیشتری در خصوص لایحه داشتیم اما متأسفانه برخی دولتمردان تمایلی به همکاری با مجلس نداشتند. هزینه‌های دولت در بودجه ۱۴۰۰ افزایشی و لایحه انبساطی بود و شاهد کسری تراز عملیاتی



و ناپایداری‌های درآمد‌های دولت بودیم که این موضوع در مصوبه کمیسیون نیز کاملاً رفع نشده بود اما شاهد شفافیت در بودجه، رفع رانت، شاکله بندی و ساختار مناسب بودجه در مصوبه کمیسیون تلفیق بودیم. اما در نهایت با تمام این اقدامات صحن رای به مخالفت داد.

### **۳- با توجه به اینکه یکی از دلایل کمیسیون برنامه و بودجه برای تصویب کلیات پیش بینی رفتار دولت در مقابل آن بود، به نظر شما در گام بعدی دولت چه تدبیری خواهد اندیشید؟**

مردم انتظار دارند که دولت و مجلس اصلاحات لازم را با نگاه به منافع مردم و به دور از مسایل سیاسی انجام دهند و ما نیز امیدوار هستیم که دولت همکاری لازم را با مجلس داشته باشد و تنها منافع مردم در نظر گرفته شود اما اگر همکاری و تعامل صورت نگیرد و دولت اصلاحات لازم را انجام ندهد بودجه به سه دوازدهم ختم می‌گردد.

### **۴- پیش از صحن علنی مجلس در ۱۴/ بهمن ماه، دولت در مقابل هر گونه اعمال تغییر توسط مجلس در لایحه بودجه، سیاستی تدافعی اتخاذ کرده بود ولیکن بعد از رد کلیات توسط مجلس آقای نوبخت صحبت از همراهی با اصلاحات کمیسیون تلفیق گفتند، به نظر شما علت این تغییر این موضع چیست؟**

دولت تمایلی به اصلاح بودجه بعضاً نداشت و به نظر دولت متمایل به رد بودجه بود و من نیز معتقد بودم لایحه در صورت عدم همکاری دولت در انجام اصلاحات، همان ابتدا باید در کمیسیون تلفیق رد می‌شد نه پس از صرف زمان و هزینه در صحن

## ۵- چنانچه دولت تغییری در لایحه ایجاد نکند و یا تغییرات اندک اعمال کند، به نظر شما بهترین راه حل مجلس در ادامه چه باید باشد؟

بهترین راه حل تعامل و همکاری دو قوه با نگاه به منافع مردم است و پیش بینی می‌کنم به سه دوازدهم ختم گردد.

## ۶- عدم حضور رئیس جمهور در هر دو جلسه مجلس برای رسیدگی به لایحه چه پیامدهایی خواهد داشت؟ از این نظر آقای روحانی مرتکب تخلف شدند؟

بر اساس بند ج ماده ۱۰۸ آیین نامه داخلی مجلس رئیس جمهور باید در مجلس حضور پیدا میکردند اما متأسفانه بر خلاف آیین نامه ایشان حضور پیدا نکردند که امیدواریم رفتار مسئولین در راستای منافع ملی و مردم باشد